



دانشگاه گواران

نشریه کارآفرینی در کشاورزی

جلد ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸

<http://jead.gau.ac.ir>

صفحات: ۳۷-۵۲

DOI: 10.22069/jead.2021.18602.1435

## تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی در بین زنان کارآفرین عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی

مهتاب ولی‌زاده<sup>۱</sup>، فرحناز رستمی<sup>۲\*</sup>، نعمت اله شیری<sup>۳</sup>، مژگان خوش مرام<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی پایدار-نوآوری و کارآفرینی کشاورزی

<sup>۲</sup>استادیار، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی

<sup>۳</sup>استادیار، گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشگاه ایلام

<sup>۴</sup>دکتری ترویج و آموزش کشاورزی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶

### چکیده

سرمایه اجتماعی در چند دهه اخیر به واسطه مزایایی که برای شرکت‌ها و سازمان‌های مختلف داشته است، اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است. در این راستا پژوهش حاضر با هدف تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی در بین زنان کارآفرین عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی در شهرستان کرمانشاه انجام شد. جامعه آماری این پژوهش همه زنان روستایی کارآفرین عضو صندوق‌های اعتباری خرد در شهرستان کرمانشاه، به تعداد ۶۲۶ نفر بود. حجم نمونه با استفاده از جدول بارتلت و همکاران (۲۰۰۱)، ۲۰۱ نفر تعیین شد که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب برای مطالعه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد ناهاپیت و قوشال (۱۹۹۸) در قالب سه بعد ساختاری، رابطه‌ای و شناختی استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۲۱ گویه بود که با توجه به زمینه مورد مطالعه، تغییراتی در آن اعمال شد. به منظور تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در مطالعه حاضر از نرم‌افزار SPSS<sup>23</sup> استفاده شد. نتایج بیانگر آن بود که بیش از نیمی از زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی شهرستان کرمانشاه، در هر سه بعد سرمایه اجتماعی در طبقه خوب قرار گرفتند. از این یافته می‌توان استنباط کرد که وضعیت سرمایه اجتماعی در جامعه مورد مطالعه در سطح نسبتاً خوبی قرار دارد. هرچند در ارتباط با این سه بعد، بعد سرمایه رابطه‌ای در مقایسه با دو بعد دیگر در وضعیت ضعیف‌تری قرار داشت.

**واژه‌های کلیدی:** سرمایه اجتماعی، صندوق اعتبارات خرد روستایی، زنان روستایی کارآفرین.

## مقدمه

منظور از سرمایه اجتماعی، املاک و دارایی‌های شخصی یا پول نیست. منظور آن چیزی است که باعث می‌شود این اشیاء محسوس در زندگی روزمره مردم بیشتر به حساب آیند؛ یعنی حسن‌نیت، دوستی، حس همدردی و مراودات اجتماعی بین گروهی از افراد یا خانواده‌ها که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند. اگر شخصی با همسایه‌اش ارتباط برقرار کند و آن‌ها نیز با دیگر همسایگان ارتباط برقرار کنند، انباشتی از سرمایه اجتماعی به وجود خواهد آمد که نیازهای شخصی آن‌ها را برآورده نموده و حتی می‌تواند باعث بهبود چشمگیر کیفیت زندگی در کل آن اجتماع گردد، در حالی که کل اجتماع از همکاری اجزای خود منتفع می‌شود و افراد نیز از مزایایی همچون مساعدت، همدردی و دوستی با همسایگان بهره‌مند خواهند شد (سوری، ۱۳۹۳).

یکی از معیارهای مهم جهت سنجش درجه توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارند (شیانی، ۱۳۹۵). نقش زنان نه تنها به وسیله نظام اقتصادی، بلکه توسط عوامل فرهنگی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. امروزه حضور زنان در بازار کار و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی، به یکی از شناسه‌های مهم توسعه انسانی تبدیل شده است؛ زیرا فعالیت‌های اقتصادی زنان، پیوندی مستقیم با فقر و رفاه اجتماعی دارد (فیض، ۱۳۸۸). در تئوری‌های توسعه پایدار روستایی نیز، بر افزایش مشارکت و ایجاد فرصت‌های برابر به خصوص برای زنان روستایی، بسیار تأکید شده است (کرمی، ۱۳۹۰). بانوان از مهمترین عوامل اساسی در حفظ و رونق اقتصادی و نیز پایداری جوامع روستایی هستند (وفایی و ترکارانی، ۱۳۹۳). از زنان روستایی به‌عنوان

عناصر فعال روستا در جهان نام برده شده است. آمار و ارقام بالای مشارکت زنان در فعالیت‌های روستایی گواه بر این مطلب است که هر جا سخن از فعالیت تولیدی بوده، نام زن روستایی نیز به دنبال آن آمده است (حیاتی و احمدی، ۱۳۹۲). از طرفی، این واقعیت بر هیچ‌کس پوشیده نیست که بدون در نظر گرفتن زنان، دستیابی به توسعه واقعی میسر نخواهد شد و فعالیت آن‌ها در توسعه روستایی و اقتصادی جامعه، واقعیتی غیرقابل انکار است (منصورآبادی و کرمی، ۱۳۸۵؛ کرمی و همکاران، ۱۳۸۸). این در حالی است که واقعیت موجود حاکی از آن است که زنان روستایی، با وجود مشارکت در بسیاری از فعالیت‌های روستایی، از جایگاه و مرتبه اجتماعی و اقتصادی خاص برخوردار نیستند (شعبانعلی‌فمی، ۱۳۸۳). نواحی کشاورزی ایران از بالاترین نرخ مشارکت اقتصادی زنان روستایی برخوردار است، در حالی که در عمل، تأثیر این مشارکت در توسعه روستایی و کشاورزی این مناطق بسیار کم‌رنگ و حاشیه‌ای است (حدادی، ۱۳۸۱). افزون بر این، نتایج مطالعات حاکی از آن است که در حال حاضر مشکل عمده زنان روستایی، عدم دسترسی آنان به خدمات مؤسسات مالی به‌ویژه اعتبارات خرد است (زرافشانی و همکاران، ۱۳۹۱). کارآفرینی و اشتغال زنان روستایی ضمن افزایش درآمد خانواده، به واسطه کاهش تفاوت و شکاف موجود بین خانوارهای شهری و روستایی، صرفه‌جویی در هزینه‌های تولید محصولات زراعی و دامی، بهبود وضعیت سواد و بهداشت خانواده، تأمین هزینه‌های خانوار به‌عنوان سرپرست و نیز کاهش مهاجرت به شهرها می‌تواند زندگی روستایی و در نهایت کل جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، شناسایی استعدادها و کارآفرینی روستاییان، به ویژه زنان روستایی و تلاش برای توسعه و تقویت کارآفرینی در فرایند توسعه روستایی

سال‌های اخیر، وام‌های خرد به ویژه در میان متخصصان و محققان که به دنبال راهکارهایی برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جهان سوم هستند اهمیت فزاینده‌ای یافته است (Norwood, 2015). به طوری که اهمیت وام‌های مالی مؤسسات خرد در بهبود توانمندسازی زنان، مورد توافق بسیاری از صاحب‌نظران است (Nisser and Ayedh, 2017). در اواخر دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، نهادهای اعتباری خرد با هدف تأمین مالی و عمرانی مشتریان از طریق برنامه‌های مالی خیریه و دولتی در همه کشورهای در حال توسعه شکل گرفت. به طوری که سال ۲۰۰۵ از سوی بانک جهانی به عنوان سال اعتبارات خرد نام‌گذاری شد و این نهاد کشورهای روبه‌توسعه را تشویق به استفاده از این شیوه اعتباری کرد. در این زمینه، بنگلادش، به عنوان کشور پیشرو از میان کشورهای در حال توسعه، توانسته است در قالب بانک گرامین، از طریق اعتبارات خرد سطح درآمد فقرا بخصوص زنان را افزایش دهد (Rasoulof, 2002). هدف اصلی اعتبارات خرد، گردآوری ظرفیت‌ها و توانایی برای تولید ثروت در میان کارآفرینان فقیر و تأمین منابع پایدار امرار معاش برای ساکنان روستایی از طریق تأمین مالی به کسانی است که به طور معمول قادر به استفاده از خدمات نهادهای رسمی نیستند (Fasoranti, 2010).

با توجه به اهمیت نظام تأمین مالی خرد، در ایران نیز این نظام به عنوان راهکاری برای تسریع فرآیند سرمایه‌گذاری، تقویت بنیادهای مالی و پس‌انداز در بین اقشار آسیب‌پذیر مورد توجه است. این نظام می‌تواند از طریق بهبود بهره‌وری، توانمندسازی و فقرزدایی را منجر شود و همچنین با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، ظرفیت‌های درآمدی را افزایش دهد (نصراللهی و همکاران، ۱۳۹۲). صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی از جمله طرح‌هایی است که از سال

از طریق فراهم کردن زمینه‌های اولیه آن، اهمیت ویژه‌ای دارد (میرترابی و حجازی، ۱۳۹۰).

با توجه به اینکه نیمی از کل جمعیت را زنان تشکیل می‌دهند و دو سوم ساعات کار انجام شده از سوی زنان صورت می‌پذیرد، بررسی سرمایه اجتماعی آنان امری ضروری به نظر می‌رسد. زنان به دلیل عدم برخورداری از قابلیت‌ها و امکانات لازم برای توانمندی، بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند، چه بسا زنان روستایی در این مورد محدودتر هم هستند و به واسطه همین محدودیت‌ها از فرصت‌های کمتری در رشد و گسترش روابط اجتماعی برخوردار هستند. برنامه‌ریزان روستایی ایران، در جستجوی مناسب‌ترین روش‌های جلب و جذب گروه‌های مختلف مردم به خصوص زنان به سوی مشارکت، همکاری و مداخله در تهیه و اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی هستند. زنان روستایی، به‌عنوان یکی از دو بازوی اصلی تولید در فعالیتهای واحد بهره‌برداری کشاورزی، در مراحل مختلف آن نقش اساسی دارند. اعتبار خرد رهیافتی است که بر فقرزدایی تأکید دارد و این امر را از طریق عرضه خدمات اعتباری به افراد کم‌درآمد دنبال می‌کند. این خدمات عمدتاً، وام‌های کوچکی است که در اختیار واحدهای اقتصادی کوچک و خرد قرار می‌گیرد. بنابراین این پژوهش به بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در بین زنان کارآفرین عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی در شهرستان کرمانشاه می‌پردازد.

**نقش صندوق‌های اعتبارات خرد در کارآفرینی و اشتغال‌زایی زنان:** عدم موفقیت راهبردهای مختلف توسعه روستایی در تقلیل فقر و توانمندسازی جوامع روستایی باعث شده است در چند دهه گذشته نظام اعتبارات خرد به عنوان یکی از راهکارهای مؤثر در ریشه‌کنی فقر مورد قبول کشورها واقع شود. در طی

۱۳۷۹ توسط دفتر امور زنان روستایی و عشایری و با توجه به تجربه بانک گرامین و بر پایه الگوی پس‌انداز و وام‌دهی گروهی، پس از بومی‌سازی به صورت آزمایشی در دو استان مازندران و کرمانشاه اجرا شد و با توجه به تجارب موفق اجرای آن، از سال ۱۳۸۰ در سراسر کشور توسعه و گسترش یافت (احمدپور و همکاران، ۱۳۹۳).

برپایه پیش‌نگاشته‌ها، زنان روستایی بواسطه اعتبارات خرد نه تنها توانسته‌اند بدهی و مخاطراتی از قبیل بیماری را از سر بگذرانند، بلکه این اعتبارات برای عده‌ای از آنان زمینه کارآفرینی را فراهم ساخته و آنان از این طریق به افزایش درآمد خانواده خود کمک کرده‌اند. همچنین صندوق‌های اعتبارات خرد در ایران توانسته است در کنار اعطای اعتبارات تولیدی و مصرفی به اعضا و اعتباررسانی به اقشار کم‌درآمد زنان روستایی، زمینه را برای فعالیت‌های کارآفرینانه فراهم کند که این امر با ارائه آموزش‌های عمومی و تخصصی و مرتفع کردن نیازهای آموزشی آنان امکان‌پذیر شده است. این صندوق‌ها با ارائه آموزش‌های لازم و تأمین اعتبارات توانسته‌اند برای بیش از دو سوم اعضای خود، اشتغال‌زایی کنند و با توجه به ساختار آن‌ها، زنان روستایی به فعالیت، کسب درآمد و انگیزه برای پس‌انداز ترغیب شده‌اند (زرافشانی و همکاران، ۱۳۹۳).

**سرمایه اجتماعی:** مفهوم سرمایه اجتماعی در دو دهه گذشته بحث‌های بسیاری در علوم اجتماعی و در بین جامعه‌شناسان پدید آورده است (Bourdieu, 1983; Putnam, 2000; Coleman, 1988). سرمایه اجتماعی در چند دهه اخیر بواسطه مزایایی که برای شرکت‌ها و سازمان‌های مختلف داشته است، اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است (Rodrigo-Alarcón et al., 2017). این اصطلاح اولین بار توسط هانیفان در سال ۱۹۱۶ به کار برده شد (توسلی، ۱۳۸۴). هانیفان سرمایه

اجتماعی را به عنوان دارایی ارزشمند برای افزایش سطح زندگی و رفاه اجتماعی در کل جامعه می‌دانست (Myeong and Seo, 2016). سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل عوامل متعددی در یک سیستم اجتماعی دانست که عبارتند از: اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و کار گروهی. طبق نظر کلمن، سرمایه اجتماعی متشکل از هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و روابط بین افراد است (Wirtz et al., 2010). سرمایه اجتماعی شبکه‌ای از روابط و پیوندهاست که اعتماد اجتماعی بین افراد، بین گروه‌ها، افراد با گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی را تعیین می‌کند و برخورداری گروه‌ها و افراد را از حمایت اجتماعی برای تسهیل کنش‌ها در راستای تحقق اهداف فردی و جمعی دربر می‌گیرد (نعیمی و همکاران، ۱۳۹۷). سرمایه اجتماعی یک اصطلاح چندبعدی است و تعاریف مختلفی در مورد آن وجود دارد (Adler and Kwon, 2002)، از این رو هیچ تعریف مشترکی از مفهوم سرمایه اجتماعی در بین افراد صاحب‌نظر وجود ندارد (Teilmann, 2012). با این حال صاحب‌نظران بر این نکته که اعتماد و روابط، اساس سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و به صورت پویا در هم تنیده شده‌اند، توافق نظر دارند (Casieri et al., 2010). از دیدگاه بانک جهانی، سرمایه اجتماعی به نهادها، روابط و هنجارهایی اشاره دارد که در شکل دادن به کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی جامعه در بین مردم و کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی نقش دارند (Olajide, 2016).

در یک دسته‌بندی کلی سرمایه اجتماعی به سه بعد ساختاری، شناختی و ارتباطی تقسیم می‌شود که هر یک از این ابعاد کلی خود شامل شاخص‌های گوناگونی است. سرمایه اجتماعی ساختاری به جنبه-

برای درک اطلاعات و دانش مفید و در نتیجه نوآوری بیشتر خواهد بود (Doh and Acs, 2010). (Tang, 2010) بیان می‌کند که سازمان‌ها یا شرکت‌های دارای سطح بالای سرمایه اجتماعی شناختی می‌توانند درک صحیحی از اطلاعات ارزشمند کسب کنند و در صورت پیشگامی، قادر به بهره‌گیری از دانش برای شناسایی فرصت‌ها هستند. سرمایه اجتماعی شناختی بالا به افراد و سازمان‌ها کمک می‌کند تا از اطلاعات و منابع خارجی استفاده کنند و از ریسک‌پذیری بیشتری برخوردار باشند (Iturrioz et al., 2015). سرمایه اجتماعی شناختی، تفکر مستقل را ترغیب می‌کند، از این‌رو نیاز به حمایت را کاهش می‌دهد که این مهم می‌تواند استقلال را در رفتار استراتژیک افزایش دهد (Rodrigo-Alarcón et al., 2017).

سرمایه اجتماعی رابطه‌ای به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی از طریق تقویت اعتماد بین افراد، امکان تبادل اطلاعات محرمانه را فراهم می‌کند و شانس توسعه اقدامات مشترک متقابل را افزایش می‌دهد. وجود اعتماد بین کنشگران شبکه باعث افزایش گرایش کارآفرینانه می‌شود و در صورت وجود اعتماد بین شرکت‌ها هزینه‌های مربوط به نظارت کاهش می‌یابد و این موضوع باعث می‌شود زمان و هزینه به فعالیت‌های دیگری از قبیل فعالیت‌های نوآورانه اختصاص یابد (Kaasa, 2009). بنابراین یک سرمایه اجتماعی رابطه‌ای قوی از طریق درک فرصت‌های جدید، توسعه نوآوری‌های جدید یا اقدامات مخاطره‌آمیز به بهبود گرایش کارآفرینانه کمک می‌کند (Rodrigo-Alarcón et al., 2017). سرمایه اجتماعی رابطه‌ای، نوآوری، یادگیری و خلاقیت را تسهیل می‌کند (Meeus et al., 2001). سرمایه اجتماعی رابطه‌ای قوی‌تر، به انتقال اطلاعات جدید کمک می‌کند که همراه با تلفیق در دانش موجود می‌تواند پیشگامی را بهبود بخشد (Shane,

های عینی مفهوم سرمایه اجتماعی توجه دارد؛ مواردی مانند نهادهای محلی، سازمان‌ها و شبکه‌های موجود در میان مردم که قادر به پیگیری اهداف فرهنگی، اجتماعی و... می‌باشند. این جنبه از سرمایه اجتماعی باعث ایجاد روابط افقی و روابط عمودی در جامعه گشته و از این طریق سرمایه اجتماعی کل جامعه تقویت می‌شود (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی ساختاری قوی منجر به انتقال سریع اطلاعات خواهد شد، اما با توجه به مشکل افزونگی دانش<sup>۲</sup>، دسترسی به اطلاعات جدید برای نوآوری محدود می‌شود (Koka and Prescott, 2002). علاوه بر این، این شرایط منجر به انسداد داخلی در سازمان و کوتاه‌نظری شده و به کاهش پیش‌گامی و کشف فرصت‌های جدید منجر می‌شود (Expósito-Langa et al., 2010). Rodrigo-Alarcón و همکاران (۲۰۱۷) معتقدند سرمایه ساختاری قوی به دلیل افزایش دانش اضافی و زائد احتمال دستیابی شرکت‌ها به دانش جدید و ویژه را محدود می‌کند. سرمایه اجتماعی شناختی به گرایش‌های انتزاعی سرمایه اجتماعی، از قبیل اعتماد، هنجارها و ارزش‌هایی اشاره دارد که کنش‌های متقابل میان مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. براساس این نوع از سرمایه اجتماعی، ابعاد همبستگی اجتماعی، حمایت اجتماعی، کنترل اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی به عنوان منابع بالقوه و بالفعل اجتماعی-شناختی افراد تلقی می‌شوند که می‌تواند در تصمیم‌گیری و کنش‌ها نقش ایفا کنند (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی شناختی در مورد چگونگی تعامل درک همسانی را ایجاد می‌کند، لذا افراد می‌توانند از هرگونه سوءتفاهم احتمالی در ارتباطات جلوگیری کنند. هرچه میزان اشتراک افراد در ارتباط با هنجارها، اهداف و فرهنگ بیشتر باشد، تمایل و گرایش افراد

## 2. Knowledge redundancy

2000). اعتماد، عاملی اساسی است که از طریق آن برخی افراد می‌توانند اطلاعات جدید کسب کرده و از فرصت‌های کارآفرینی درک مناسبی داشته باشند (Kwon and Arenius, 2010). علاوه‌براین سرمایه اجتماعی رابطه‌ای، می‌تواند به غلبه بر محدودیت‌های نهادی در فرآیند کارآفرینی و دستیابی به منبع کلیدی اطلاعات رقابتی کمک کند (Florin et al., 2003).

**پیشینه پژوهش:** قربانی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل سرمایه اجتماعی شبکه زنان روستایی در راستای توانمندسازی جوامع محلی» به این نتیجه رسیدند که میزان سرمایه اجتماعی و به تبع آن، سرعت گردش پیوندهای اعتماد و مشارکت پیش از اجرای پروژه در حد متوسط بوده و طی مراحل تشکیل صندوق اعتباری خرد افزایش یافته است. حیدری‌ساربان و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی و تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان روستایی» به این نتیجه دست یافتند که بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی زنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. پرنیان و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «سنجش میزان سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان روستاهای شهر شیراز» به این نتایج دست یافتند که زنان روستایی در بعد مشارکت اجتماعی و صمیمیت اجتماعی دارای بیشترین میانگین بود و بعد اعتماد اجتماعی دارای کمترین میانگین بودند و همچنین میانگین سرمایه اجتماعی زنان متأهل و تحصیل‌کرده بیشتر از سایر گروه‌ها بوده و نتیجه به دست آمده از رگرسیون دو متغیره نشان داد که بین سن و سرمایه اجتماعی زنان رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. رضایی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی دیدگاه زنان روستایی درباره تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی آنان» که جامعه آماری این پژوهش تمامی زن‌های ۱۵ تا ۶۴ سال ساکن روستای

حسن‌خان بودند، به این نتیجه دست یافتند که افزایش میزان سرمایه اجتماعی زنان روستایی، به طور مستقیم به توانمندسازی آنان منجر می‌شود. رستمی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «وضعیت سرمایه اجتماعی در بین زنان روستایی سرپرست خانوار» به این نتیجه دست یافتند که مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی و ارتباطات اجتماعی با درصد تبیین ضعیف، زنان روستایی سرپرست خانوار را در معرض آسیب‌پذیری بیشتری قرار داده است. فهمی (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و کنش مدنی در بین جوانان ایالت کینگ دام» پرداخته است که نتایج نشان می‌دهد با افزایش سن، سرمایه اجتماعی و میزان درگیری‌های مدنی افزایش می‌یابد. میتراوکانودو (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان توانمندسازی روستاییان در بخش بنگال غربی هند از طریق ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی نتیجه گرفت که سطح توانمندی روستاییان مطالعه شده در ابعاد مختلف به‌ویژه اقتصادی و روانشناختی پایین نیست. براساس نتایج این پژوهش کمیت و کیفیت تعامل میان افراد و اعتماد روستاییان به یکدیگر تأثیر زیادی به توانمندی آن‌ها دارد.

**روش پژوهش:** مقاله حاضر از نظر ماهیت موضوع از نوع تحقیقات کمی؛ از لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات میدانی است. علاوه براین، این پژوهش از نظر کنترل متغیرها از نوع تحقیقات غیرآزمایشی است و با توجه به این که در یک مقطع زمانی خاص انجام می‌گیرد از نوع تک مقطعی است. برای اندازه‌گیری متغیرها و گردآوری داده‌ها از پرسشنامه سرمایه اجتماعی ناهاپیت و قوشال (۱۹۹۸) استفاده شد که دارای سه بعد ساختاری، رابطه‌ای و شناختی است. این پرسشنامه دارای ۲۱ گویه است که با توجه به زمینه مورد مطالعه تغییراتی در آن انجام شد که بعد

### یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان: براساس یافته‌های تحقیق، میانگین سن زنان پاسخگو ۴۲/۳۶ سال، سن جوان‌ترین و مسن‌ترین آن‌ها به ترتیب ۲۰ و ۸۰ سال بود. ۸۳/۶ درصد از پاسخگویان متأهل و بقیه مجرد بودند. بررسی سطح تحصیلات پاسخگویان نشان داد که ۸۳/۵ درصد دیپلم و پایین‌تر و بقیه دارای تحصیلات دانشگاهی (بالا‌تر از دیپلم) بودند. بررسی وضعیت پاسخگویان براساس سرپرستی خانوار نشان داد که اکثر پاسخگویان (۸۰/۶ درصد) سرپرست خانوار نبودند، به طوری که از بین ۲۰۹ نفر زن مشارکت‌کننده در این پژوهش، ۳۹ نفر آنان (۱۹/۴ درصد) سرپرست خانوار بودند. درصد بالایی از پاسخگویان (۶۷/۲ درصد) فعالیت درآمدزا نداشتند که این یافته موجب شگفت‌زده شدن محقق نیز شد. یافته‌ها در ارتباط با تمایل به فعالیت خارج از منزل زنان حکایت از آن داشت که اکثریت زنان (۸۵/۶ درصد) به فعالیت اقتصادی خارج از منزل تمایل دارند، در مقابل ۱۴/۴ درصد آنان به فعالیت اقتصادی خارج از منزل تمایلی نداشتند. در پاسخ به این سوال که آیا در اطراف شما کارآفرین موفق وجود دارد یا خیر؟ اکثریت پاسخگویان (۷۷/۶ درصد) به وجود کارآفرین موفق در اطراف خود اشاره داشتند.

**سرمایه اجتماعی در بین زنان روستایی عضو صندوق:** بر اساس یافته‌ها، میانگین سرمایه اجتماعی پاسخگویان ۳/۹۱ و انحراف معیار ۰/۵۴ محاسبه گردید. میانگین سرمایه رابطه‌ای زنان روستایی نسبت به دو بعد دیگر بالاتر (۳/۹۸) بود، هرچند اختلاف ناچیزی در ابعاد سه‌گانه سرمایه اجتماعی وجود داشت. همان‌طور که یافته‌ها در ارتباط با توزیع پاسخگویان براساس شاخص فاصله انحراف معیار از

سرمایه اجتماعی ساختاری ۶ گویه، بعد سرمایه اجتماعی رابطه‌ای ۹ گویه و بعد سرمایه اجتماعی شناختی ۱۰ گویه را داراست. در این پژوهش، جهت تعیین روایی پرسشنامه از روایی محتوا استفاده شد. روایی محتوایی متن سوالات، مورد تأیید اساتید دانشگاه و کارشناسان دفتر زنان روستایی سازمان جهاد کشاورزی شهرستان کرمانشاه قرار گرفت. به منظور اطمینان از دقت و اعتمادپذیری، پرسشنامه تحقیق با پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ بررسی و تأیید شد (جدول ۱).

جامعه آماری این پژوهش، همه زنان کارآفرین عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی در شهرستان کرمانشاه بود. به طور کلی تعداد ۲۱ صندوق اعتبارات خرد در روستاهای شهرستان کرمانشاه فعال هستند، از این رو جامعه آماری این تحقیق ۶۲۶ نفر زن روستایی کارآفرین عضو این صندوق‌ها است. حجم نمونه با استفاده از جدول بارتلت و همکاران (۲۰۰۱)، ۲۰۱ نفر تعیین شد که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب به عنوان نمونه‌های پژوهش انتخاب شدند.

به منظور بررسی سطح سرمایه اجتماعی زنان کارآفرین عضو صندوق اعتبارات خرد از معیار فاصله انحراف معیار از میانگین (ISDM) استفاده شد که طبق رابطه (۱) به چهار دسته تقسیم گردید (عباسی و همکاران، ۱۳۹۲):

$$A < \text{Mean St.d} : A = \text{ضعیف} \quad (1)$$

$$\text{Mean St.d} < B < \text{Mean} : B = \text{متوسط}$$

$$\text{Mean} < C < \text{Mean} + \text{St.d} : C = \text{خوب}$$

$$\text{Mean} + \text{St.d} < D : D = \text{عالی}$$

به منظور تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

میانگین نشان می‌دهد، در مورد سازه سرمایه ساختاری میانگین نشان می‌دهد، در مورد سازه سرمایه ساختاری ۴۱/۳ درصد، در مورد سازه سرمایه رابطه‌ای ۴۷/۳ درصد و در مورد سازه سرمایه‌شناختی ۴۱/۸ درصد. در طبقه خوب قرار داشتند (جدول ۲). میانگین و انحراف معیار سرمایه اجتماعی و سازه‌های آن در بین زنان روستایی عضو صندوق در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار سرمایه اجتماعی و سازه‌های آن در بین زنان روستایی عضو صندوق

انحراف معیار	میانگین	مثال سازه‌ها	تعداد سازه‌ها	ابعاد سرمایه اجتماعی	آلفای کرونباخ
۰/۷۷	۰/۵۲	۳/۹۰	۶	سرمایه ساختاری	
دسترسی یا ملاقات با سایر اعضای صندوق به سهولت انجام می‌گیرد.					
اعضای صندوق قادر به انجام کار گروهی با هم هستند.					
ارتباطات کاری میان اعضای صندوق در حد مطلوبی است.					
اعضای صندوق با هم تبادلات و تعاملات مناسبی دارند.					
برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های صندوق با مشارکت اعضا تصویب می‌شوند.					
ساختار ارتباطی صندوق باعث تسهیل در انتقال اطلاعات بین اعضا می‌شود.					
۰/۸۶	۰/۵۳	۳/۹۸	۹	سرمایه رابطه‌ای	
اعضای صندوق به همدیگر اعتماد دارند.					
اعضای صندوق به شایستگی و صلاحیت همدیگر احترام می‌گذارند.					
اعضای صندوق نسبت به همدیگر صادق هستند.					
اعضای صندوق رو حرف‌های همدیگر حساب می‌کنند.					
همکاری بین اعضای صندوق به‌عنوان یک ضرورت تلقی می‌شود.					
اعضای صندوق توافق جمعی روی امور دارند.					
اعضای صندوق نسبت به تحقق اهداف صندوق احساس تعهد می‌کنند.					
اعضای صندوق در جهت رفع مشکلات همدیگر مشارکت و اقدام می‌کنند.					
اعضای صندوق به راحتی با هم کنار می‌آیند.					
۰/۸۹	۰/۵۹	۳/۸۷	۱۰	سرمایه شناختی	
در تعاملات و گفتگوهای اعضای صندوق زبان و مفاهیم مشترکی رایج است.					
اعضای صندوق دارای چشم‌انداز و اهداف مشترکی هستند.					
اعضای صندوق انگیزه‌ها، علایق و ارزش‌های همدیگر را درک می‌کنند.					
اعضای صندوق برای همدیگر ارزش قائل هستند.					
اعضای صندوق مشتاقانه برای رسیدن به یک هدف مشترک کار می‌کنند.					



اعضای صندوق موفقیت جمعی را به موفقیت فردی ترجیح می دهند.			
اعضای صندوق در صورت نیاز به همدیگر کمک می کنند.			
اعضای صندوق به آینده ای مشترک (منافع مشترک) تعلق دارند.			
اعضای صندوق بینش مشترکی برای دست یابی به اهداف دارند.			
اعضای صندوق موفقیت و شکست همدیگر را موفقیت و شکست خود می دانند.			
در تعاملات و گفتگوهای اعضای صندوق زبان و مفاهیم مشترکی رایج است.			
اعضای صندوق دارای چشم انداز و اهداف مشترکی هستند.			
اعضای صندوق انگیزه ها، علایق و ارزش های همدیگر را درک می کنند.			
۰/۸۴	۰/۵۴	۳/۹۱	سرمایه اجتماعی

جدول ۲- توزیع پاسخگویان در ابعاد سه گانه سرمایه اجتماعی

فرآوانی تجمعی	درصد فرآوانی	فرآوانی	طبقه	
۱۶/۴	۱۶/۴	۳۳	ضعیف	سرمایه ساختاری
۴۱/۸	۲۵/۴	۵۹	متوسط	
۸۳/۱	۴۱/۳	۸۳	خوب	
۱۰۰	۱۶/۹	۳۴	عالی	
	۱۰۰	۲۰۹	کل	
۱۸/۴	۱۸/۴	۳۷	ضعیف	سرمایه رابطه ای
۳۸/۸	۲۰/۴	۴۹	متوسط	
۸۶/۱	۴۷/۳	۹۵	خوب	
۱۰۰	۱۳/۹	۲۸	عالی	
	۱۰۰	۲۰۹	کل	
۱۱/۹	۱۱/۹	۳۲	ضعیف	سرمایه شناختی
۴۴/۳	۳۲/۳	۶۵	متوسط	
۸۶/۱	۴۱/۸	۸۴	خوب	
۱۰۰	۱۳/۹	۲۸	عالی	
	۱۰۰	۲۰۹	کل	

## نتیجه‌گیری

در این پژوهش به تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی در بین زنان کارآفرین عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی در شهر کرمانشاه پرداخته شده است. به‌رغم تصوراتی که ممکن است درباره زنان و خصوصیات کارآفرینانه آن‌ها در محیط روستایی وجود داشته باشد، زنان روستایی، توانایی‌های بالقوه‌ای در زمینه فعالیت‌های کارآفرینانه دارند که نیاز به فراهم کردن بستر لازم برای شکوفا شدن استعدادها و تقویت روحیه کارآفرینی آن‌ها را ضروری می‌کند (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۳). سرمایه اجتماعی می‌تواند به عنوان یک حوزه برای بسیج و حرکات اهداف کارآفرینی و کمک به آن‌ها برای غلبه بر محدودیت‌های منابع باشد (Schuster et al., 2010) و یک کارآفرین از طریق اتصال و ارتباط با سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند فرصت‌های کسب‌وکار را توسط شبکه‌های مستقیم و غیرمستقیم با شرکا و مشتریان فعال، و تعامل با افراد یا اشخاصی که متعلق به یک بازارند، به دست آورد. صندوق‌های اعتباری خرد در نواحی روستایی با به‌کارگیری فنون و رهیافت‌های بدیل، توان اقتصادی زنان روستایی را افزایش می‌دهند و مشارکت زنان را در توسعه برنامه‌های روستایی تسهیل می‌کنند. مشارکت، وسیله افزایش و توزیع مجدد فرصت شرکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، اقتصادی و کمک و همکاری در توسعه و بهره‌مند شدن از تأثیرات آن قلمداد می‌شود که بر بهبود عملکرد صندوق اعتبارات خرد روستایی تأثیرگذار است.

براساس یافته‌های این پژوهش، میانگین سن زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی ۴۲/۳۶ سال، ۸۳/۶ درصد آن‌ها متأهل، ۱۹/۴ درصد آن‌ها سرپرست خانوار بودند. درصد بالایی از آن‌ها (۶۷/۲ درصد) فعالیت درآمدزا نداشتند و به فعالیت اقتصادی

خارج از منزل تمایل داشتند (۸۵/۶ درصد). اکثریت آن‌ها (۸۳/۵ درصد) تحصیلات دیپلم و پایین‌تر داشتند، اکثریت پاسخگویان (۷۷/۶ درصد) به وجود کارآفرین موفق در اطراف خود اشاره داشتند.

براساس نتایج این پژوهش، میانگین سرمایه اجتماعی پاسخگویان ۳/۹۱ و انحراف معیار ۰/۵۴ بود. با وجود اختلاف ناچیز بین سرمایه اجتماعی زنان روستایی در ابعاد سه‌گانه، سرمایه رابطه‌ای آن‌ها دارای میانگین بالاتری (۳/۹۸) بود که از نظر نگارنده دلیل اصلی بالا بودن میانگین، ارتباط مستقیمی با بعد رفتاری جامعه مورد مطالعه دارد، زیرا در محیط روستا اکثراً دارای رابطه خویشاوندی بوده و از این رو نسبت به یکدیگر اعتماد، صداقت، تعاون و احساس مسئولیت دارند و به‌راحتی با یکدیگر کنار می‌آیند. از نظر کلمن هرچه افراد از یکدیگر بیشتر کمک بگیرند، مقدار سرمایه اجتماعی که ایجاد می‌شود بیشتر خواهد بود (کلمن، ۱۹۸۸). نتایج شیان و موسوی (۱۳۹۰) نشان داد که اعتماد بین فردی بالا، در میان زنان کارآفرین عضو صندوق اعتبارات خرد روستایی به ویژه نسبت به افراد خانواده و خویشاوندان وجود دارد که حاکی از اعتماد و به تبع آن مشارکت در فعالیت‌های جمعی، رفت و آمد و همکاری در رفع مشکلات دیگران است. بر اساس مطالعات شیان و موسوی (۱۳۹۰) سرمایه اجتماعی ناشی از انسجام بین قومی است.

براساس نتایج به‌دست آمده، در ارتباط با سازه‌های سه‌گانه سرمایه اجتماعی، در مورد سازه سرمایه ساختاری ۵۸/۲ درصد، در مورد سرمایه رابطه‌ای ۶۱/۲ درصد و در مورد سازه سرمایه شناختی ۵۵/۷ درصد در طبقه خوب و عالی قرار داشتند. در واقع سرمایه رابطه‌ای از طریق تقویت اعتماد بین زنان روستایی امکان تبادل و انتقال اطلاعات جدید بین آن‌ها را فراهم می‌کند و این اطلاعات جدید می‌تواند از

گروه اهداف و چشم‌اندازهای متفاوتی دارند، در نتیجه، این امر باعث ضعف در بعد سرمایه‌شناختی شده است. از سوی دیگر، زنان روستایی عضو این صندوق‌ها، نوآوری و خلاقیتی برای انجام امور و بهبود عملکرد اقتصادی صندوق‌های اعتباری ندارند.

با توجه به این‌که در بین سازه‌های مورد مطالعه سرمایه اجتماعی، سازه سرمایه‌شناختی در مقایسه با دو سازه دیگر (سرمایه ساختاری و رابطه‌ای) در وضعیت پایین‌تری قرار دارد، پیشنهاد می‌گردد از طریق تعیین چشم‌انداز و اهداف مشخص برای صندوق و تشریح و شفاف‌سازی کامل آن برای همه اعضا، زمینه ایجاد همکاری و همدلی بین اعضا فراهم شود، به طوری که اعضا به این باور برسند که دارای منافع مشترک هستند و اهداف جمعی را بر اهداف شخصی ترجیح دهند و مشتاقانه برای رسیدن به هدف مشترک باهم کار کنند.

اگرچه سرمایه اجتماعی ساختاری و رابطه‌ای دارای وضعیت مساعدی هستند، اما باید تلاش کرد که با فراهم ساختن بستر اجتماعی مساعد مانند تشکلهای داخلی که خود زنان روستایی مدیریت آن را به عهده داشته باشند، اعتماد به نفس در آن‌ها را در زمینه سرمایه اجتماعی افزایش داده و زمینه رشد اجتماعی زنان را به منظور کسب سرمایه اجتماعی مهیا کرد.

ضروری است مقوله ترویج فرهنگ کارآفرینی به عنوان یک عامل مهم و زیربنایی در توسعه ظرفیت‌های کارآفرینانه در سطح جوامع و به‌طور خاص در جوامع روستایی مدنظر قرار گیرد، همچنین ارزش‌گذاری به کارآفرینی زنان و معرفی زنان کارآفرین موفق به منظور افزایش خودباوری، اعتماد به نفس و انگیزه کارآفرینی در زنان روستایی حائز اهمیت است.

طریق درک فرصت‌های جدید، توسعه نوآوری‌های جدید یا اقدامات مخاطره‌آمیز به بهبود رابطه و پیشرفت کاری اعضا کمک کند. روابط مبتنی بر اعتماد متقابل، فرهنگ کار تیمی و داشتن روحیه انتقادپذیری بالا در زنان روستایی، سبب افزایش تعهد سازمانی و احساس عضویت در خانواده مشترک سازمانی و تقویت بعد رابطه‌ای سرمایه اجتماعی شده است، که با نتایج تحقیق طالب‌پور و همکاران (۱۳۹۷) همسو است. همچنین سرمایه اجتماعی شناختی از طریق ممانعت از سوءتفاهم احتمالی در ارتباطات، به اشتراک بیشتر افراد از نظر هنجارها و اهداف کمک می‌کند و این موضوع باعث بهبود درک افراد از اطلاعات صحیح خواهد شد. سرمایه اجتماعی ساختاری نیز از طریق کمک به انتقال سریع اطلاعات، به تشخیص فرصت و در نتیجه پیشگامی کمک خواهد کرد. همچنین به‌منظور به‌روزرسانی، استخراج، طبقه‌بندی و یکپارچه‌سازی منابع مختلف، خواه‌ناخواه افراد روابط خود را با یکدیگر گسترش داده و سبب شکل‌گیری روابط کاری خوب در بین همدیگر شده که منجر به شکل‌گیری گروه‌ها و توسعه سازمان می‌شود که همگی منجر به تقویت بعد ساختاری سرمایه اجتماعی می‌شود. نتایج مربوط به توزیع پاسخگویان براساس شاخص فاصله انحراف از میانگین نشان داد بیش از نیمی از زنان روستایی عضو صندوق در هر سه بعد سرمایه اجتماعی در طبقه متوسط روبه‌بالا و عالی قرار داشتند، از این یافته می‌توان این نتیجه را استنباط کرد که وضعیت سرمایه اجتماعی در سطح نسبتاً خوبی قرار دارد، هرچند بعد سرمایه‌شناختی در مقایسه با دو بعد دیگر در وضعیت ضعیف‌تری قرار داشت که به تفاوت بینش‌ها برمی‌گردد. از جهتی نیز چون زنان روستایی عضو صندوق اعتبارات خرد در هر روستا به گروه‌های چند نفره تقسیم می‌شوند و هر

منابع

۱. احمدپور، ا.، عبدی ترکمانی، م.، و سلطانی، ش. ۱۳۹۳. عوامل مؤثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی شهرستان قائمشهر. فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۳(۱۲): ۲۳-۴۵.
  ۲. پرنیان، ل.، و صغری، ه. ۱۳۹۳. سنجش میزان سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان روستاهای شهر شیراز. همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی، دوره اول.
  ۳. توسلی، غ.، و موسوی، م. ۱۳۸۴. مفهوم سرمایه نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه های سرمایه اجتماعی. مطالعات جامعه شناختی، ۲۶(۱۱): ۱-۳۲.
  ۴. چلبی، م.، و مبارکی، م. ۱۳۸۴. تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۶(۲): ۳-۴۴.
  ۵. حدادی، س. ۱۳۸۱. نقش تشکلهای غیردولتی در طراحی نظام بهینه اعتباری برای زنان روستایی. مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد و زنان روستایی. دفتر امور زنان روستایی. تهران. ص ۲۰۴-۱۸۵.
  ۶. حیاتی، د.، و احمدی، ش. ۱۳۹۲. سازه‌های مؤثر بر پایگاه طبقاتی زنان روستایی خانوارهای کشاورز. مورد مطالعه شهرستان روانسر استان کرمانشاه. مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، ۱۱(۳): ۱۰۳-۱۳۲.
  ۷. حیدری ساریان، و.، باختر، س.، و طالعی حور، و. ۱۳۹۵. ارزیابی و تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان روستایی. فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، ۷(۴): ۲۷-۴۹.
  ۸. رستمی، ف.، محمدی، م.، علی آبادی، و.، و کریمیان، ن. ۱۳۹۲. وضعیت سرمایه اجتماعی در بین زنان روستایی سرپرست خانوار. فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳(۵۱): ۷-۲۴.
  ۹. رضایی، ر.، و زارعی، ش. ۱۳۹۳. بررسی دیدگاه زنان روستایی درباره تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی آنان. فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۲(۲): ۲۸۷-۳۰۴.
  ۱۰. زرافشانی، ک.، رستمی، ف.، خوش‌مرام، م.، و شیرینی، ن. ۱۳۹۳. نقدی بر ساختار صندوق‌های اعتبارات خرد در
- خوداشتغالی زنان روستایی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۱(۳): ۱۲۹-۱۲۱.
  ۱۱. زرافشانی، ک.، علی‌بیگی، ا.، و فقیری، م. ۱۳۹۱. رتبه‌بندی صندوق‌های اعتبارات خرد بر اساس توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه. زن در توسعه و سیاست، ۱۰(۱): ۱۲۴-۱۰۵.
  ۱۲. سوری، ع. ۱۳۹۳. سرمایه اجتماعی و رشد در ایران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۲(۶۹): ۴۹-۶۴.
  ۱۳. شعبانعلی‌فمی، ح. ۱۳۸۳. رهیافت‌ها و فنون مشارکت در ترویج روستایی. چاپ اول. تهران: انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران.
  ۱۴. شیانی، م.، و موسوی، م. ۱۳۹۰. تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی در شهر کرمان. رفاه اجتماعی، ۱۱(۴۱): ۱۲۲-۹۳.
  ۱۵. شیانی، م. ۱۳۹۵. تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی در شهر کرمان. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۱(۴۱): ۱۲۲-۹۳.
  ۱۶. طالب‌پور، م.، اسماعیل‌زاده قندهاری، م.، کشتی‌دار، م.، و هراتی، م. ۱۳۹۷. تحلیل رگرسیون رابطه مؤلفه‌های مدیریت دانش با ابعاد سرمایه اجتماعی در دبیران تربیت‌بانی خراسان رضوی. مدیریت ورزشی، ۱۰(۴): ۷۳۹-۷۵۴.
  ۱۷. عباسی، ع.، باسامی، ا.، و کابلی، ن. ۱۳۹۲. بررسی تمایل شهروندان به مشارکت در فعالیت‌های حفاظت و توسعه فضای سبز شهر تهران. نشریه محیط زیست طبیعی مجله منابع طبیعی، ۴(۴): ۳۹۹-۴۱۰.
  ۱۸. فیض، د. ۱۳۸۸. بررسی تأثیر جنسیت بر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان: بررسی دانشگاه سمنان. مطالعات اجتماعی- روانشناختی زنان، ۷(۲): ۲۵-۴۴.
  ۱۹. قربانی، م.، عوض‌پور، ل.، و راسخی، س. ۱۳۹۵. تحلیل سرمایه اجتماعی شبکه زنان روستایی در راستای توانمندسازی جوامع محلی و منطقه مورد مطالعه: روستای برزیجان، شهرستان محلات، استان مرکزی. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۲(۵): ۲۹۴-۲۷۳.

- Concept. Academy of management review, 27(1): 17-40.
30. Bourdieu. P. 1983. *The Forms of Capital*, In: John G. Richardson (ed). Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education. NewYork: Greenwood Press, 241-258.
31. Casieri. A., Nazzaro. C., and Roselli. L. 2010. *Trust building and social capital as development policy tools in rural areas. An empirical analysis: the case of the LAG CDNISAT*. New Medit, 9(1): 24-30.
32. Coleman. J. 1988. *Social Capital in the Creation of Human Capital*. American Journal of Sociology 94 (Supplement): 95-120.
33. Do, S., and Acs, Z.J. 2010. *Innovation and Social Capital: a Cross-Country Investigation*. Industry and Innovation, 17(3): 241-262.
34. Expósito-Langa, M., and Molina-Morales. F.X. 2010. *How Relational Dimensions Affect Knowledge Redundancy in Industrial Clusters*. European planning studies, 18(12): 1975-1992.
35. Fasoranti. M.M. 2010. *The Influence of Micro-Credit on Poverty Alleviation Among Rural Dwellers: A Case Study of Akoko North West Local Government Area of Ondo State*. African Journal of Business Management, 4(8): 1438-1446.
36. Florin, J., Lubatkin, M. and Schulze, W. 2003. *A Social Capital Model of High-Growth Ventures*. Academy of Management Journal, 46(3): 374-384
37. Iturrioz, C., Aragón, C. and Narvaiza, L. 2015. *How to Foster Shared Innovation Within SMEs' Networks: Social Capital and the Role of Intermediaries*. European Management Journal, 33(2): 104-115.
38. Kaasa. A. 2009. *Effects of Different Dimensions of Social Capital on Innovative Activity: Evidence from Europe at the Regional Level*. Technovation, 29(3): 218-233.
39. Koka, B.R, and Prescott, J.E. 2002. *Strategic Alliance as Social Capital: A Multidimensional View*. Strategic Management Journal, 23: 795-816.
40. Kwon, S.W., and Arenius, P. 2010. *Nations of Entrepreneurs: A Social Capital Perspective*. Journal of Business Venturing, 25(3): 315-330.
۲۰. کریمی، ش.، آگهی، ح.، و پاپزن، ع. ۱۳۸۸. *ارزشیابی طرح آموزش، حمایت و سازمان‌دهی زنان روستایی استان کرمانشاه به منظور تولید قارچ دکمه‌ای*. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۲(۲): ۱۵۳-۱۲۷.
۲۱. کریمی، ش. ۱۳۹۰. *نظرسنجی زنان روستایی پیرامون اثر توسعه مشاغل جدید کشاورزی بر توسعه پایدار روستایی*. مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی دانشجویی کارآفرینی کشور، تهران.
۲۲. منصورآبادی، ا.، و کریمی، ع. ۱۳۸۵. *پیامدهای توسعه بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی: مطالعه موردی در استان فارس*. مجله علوم اجتماعی و انسانی، ۲۴(۲): ۱۲۸-۱۰۷.
۲۳. موحدی، ر.، و یعقوبی فرانی، ا. ۱۳۹۳. *تحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی*. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۲(۴): ۴۲-۷.
۲۴. میرترابی، م.، و حجازی، ی. ۱۳۹۰. *بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی و خانوادگی زنان روستایی بر انگیزه مشارکت آنها در فعالیت‌های کشاورزی*. مجموعه مقالات دومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا، ۱۵ و ۱۶ تیر.
۲۵. میرزایی، خ.، سپه‌پناه، م.، و موحدی، ر. ۱۳۹۶. *عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی زنان در نظام‌های چندکشتی و رعیتی*. مدیریت سرمایه اجتماعی، ۴(۱): ۱۱۴-۹۵.
۲۶. نصراللهی، ز.، بامری، س.، و هاشمی، م. ۱۳۹۲. *نقش و جایگاه نظام تأمین مالی خرد در برنامه‌های فقرزدایی کشور*. نخستین کنفرانس مدیریت پولی و بانکی، تهران.
۲۷. نعیمی، ا.، رضائی، ر.، و موسوی‌پور، س. ۱۳۹۷. *تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی روستاییان استان خوزستان با تأکید بر نقش میانجی گردشگری*. مدیریت سرمایه اجتماعی، ۵(۴): ۵۵۲-۵۲۳.
۲۸. وفایی، ا.، و ترکارانی، م. ۱۳۹۳. *بررسی تأثیر نوع و میزان فعالیت زنان روستایی بر سطح حقوق اقتصادی- اجتماعی آنها*. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۲(۴): ۱۴۸-۱۱۹.
29. Adle, P.S., and Kwon, S.W. 2002. *Social Capital: Prospects for a New*

- proceeding of microcredit Rural Women. Vol. 1. Tehran: Ministry of Agriculture Jihad. Bureau of Rural Women.
49. Rodrigo-Alarcón, J., García-Villaverde, P. M., Ruiz-Ortega, M.J., and Parra-Requena, G. 2017. *From Social Capital to Entrepreneurial Orientation: The Mediating Role of Dynamic Capabilities*. European Management Journal, 36(2): 195-209.
  50. Schuster, B.S., Falck, O., and Heblich, S. 2010. *Social Capital Access and Entrepreneurship*. Journal of Economic Behavior and Organization, 76: 821-833.
  51. Shane, S. 2000. *Prior Knowledge and the Discovery of Entrepreneurial Opportunities*. Organization science, 11(4): 448-469.
  52. Tang, J. 2010. *How Entrepreneurs Discover Opportunities in China: An Institutional View*. Asia Pacific Journal of Management, 27(3): 461-479.
  53. Teilmann, K. 2012. *Measuring Social Capital Accumulation in Rural Development*. Journal of Rural Studies. 28(4): 458-465.
  54. Wirtz, J., Tambyah, S.K., and Mattila, A. 2010. *Organizational Learning from Customer Feedback Received by Service Employees: A Social Capital Perspective*. J Service Manage, 21(3): 363-87. Doi: 10.1108/09564231011050814.
  41. Mitra, S., and Kundn, A. 2012. *Assessing Empowerment through Generation of Social Capital*. Journal of Business and social Research, 6: 72-84.
  42. Meeus, M.T., Oerlemans, L.A., and Hage, J. 2001. *Patterns of Interactive Learning in a High-Tech Region*. Organization studies, 22(1): 145-172.
  43. Myeong, S., and Seo, H. 2016. *Which Type of Social Capital Matters for Building Trust in Government? Looking for a New Type of Social Capital in the Governance Era*. Sustainability, 8(4): 322.
  44. Nahapiet, J., and Ghoshal, S. (1998). *Social Capital Intellectual Capital and the Organizational Advantage*. Academy of management review, 23(2): 242-66.
  45. Nisser, A.H.I., and Ayedh, A.M.A. 2017. *Microfinance and Women's Empowerment in Egypt*. International Journal of Business and Economic Affairs, 2(1): 52-58.
  46. Norwood, C. 2015. *Women's Empowerment and Microcredit: A Case Study From Rural Ghana*. Journal of international studies and development, 4, 1.
  47. Olajide, O.E. 2016. *Social Capital Factors as Predictors of Rural Development in Nigeria*. British Journal of Arts and Social Sciences, 21(2): 153-171.
  48. Putnam, R. 2000. *Bowling Alone*. N. Y. Simon and Schuster.
  49. Rasoulof, J. 2002. *Rural Women and Microcredit. Self-Reliance*. Conference



Gorgan University of Agricultural  
Sciences and Natural Resources

*Journal of Entrepreneurship in Agriculture* Vol. 6(3), 2019

<http://jead.gau.ac.ir>

DOI: 10.22069/jead.2021.18602.1435

## **Analysis of social capital status among women entrepreneurs, members of rural micro-credit funds**

**M. Valizadeh<sup>1</sup>, F. Rostami<sup>2\*</sup>, N.A. Shiri<sup>3</sup>, M. Khoshmaram<sup>4</sup>**

<sup>1</sup>MSc of Agricultural Extension and Education, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Razi University, Kermanshah, Iran

<sup>2</sup>Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Razi University, Kermanshah, Iran

<sup>3</sup>Assistant Professor, Department of Entrepreneurship and Rural Development, Faculty of Agriculture, Ilam University, Ilam, Iran

<sup>4</sup>Ph.D. Department of Entrepreneurship and Rural Development, Faculty of Agriculture, Ilam University, Ilam, Iran

Received: 03/12/2020; Accepted: 24/02/2021

### **Abstract**

Social capital has become increasingly important in recent decades due to its benefits to various companies and organizations. In this regard, the present study was conducted to analyze the situation of social capital among women entrepreneurs, members of rural micro-credit funds in Kermanshah. The statistical population of this study was 626, all rural women entrepreneurs who are the members of micro-credit funds in Kermanshah. The sample size was determined as 201 by using the table of Bartlett et al. (2001) and selected by stratified random sampling method with proportional assignment for the study. For data collection, the standard Nahapit and Ghoshal (1998) questionnaire was used in the form of three dimensions of structural, relational and cognitive. This questionnaire had 21 items that were modified according to the field of study. SPSS software was used to analyze the collected data. The results showed that more than half of rural women members of rural micro-credit funds in Kermanshah were in the good level in all three dimensions of social capital. From this finding, it can be inferred that the situation of social capital in the studied society is at a relatively good level. However, in relation to these three dimensions, the cognitive dimension was in a weaker position compared to the other two dimensions.

**Keywords:** Social Capital, Rural Micro-Credit Fund, Rural Women Entrepreneurs.

---

\*Corresponding author; fr304@yahoo.com

